

# رشد و توسعه حقیقی

## حرکت ارادی جمع به سوی جامعه برتر است

### حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی تسخیری

□ به نظر من پاسخ منفی است. من رابطه میان آن دو را رابطه لازم و ملزوم می‌دانم. رشد و توسعه حقیقی، رشد و توسعه‌ای است که از حرکت ارادی جمع به سوی جامعه بهتر و برتر، سرچشمه گرفته باشد. طبیعی است که رشد و توسعه جز با فراهم بودن موارد زیر، تحقق یافتنی نیست:

۱. اراده اجتماعی
۲. قوانین واقعاً هماهنگ با هدف مورد نظر
۳. نظام برخاسته از اجرای قانون
۴. منابع طبیعی و نیازهای معنوی.

○ به نظر جناب عالی حضور مردم در صحنه یا به عبارت دیگر تعبیری که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در ضرورت حضور مردم در صحنه داشتند در تحقق نظم چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

□ امت، مجری و حامی نظام و تحقق بخش اهداف آن است و حضور آگاهانه و مستمر آن و تداوم و شعله‌ور ماندن شور انقلابی، ضامن حرکت منظم و مطمئن به سوی هدف است.

○ نقش ایدئولوژی به ویژه نقش وحدت کلمه در تحقق نظم چگونه قابل تعریف است؟

□ ایدئولوژی، اساس و پایه حرکت است چرا که ما معتقد به وجود ارتباط کاملی میان جهان‌بینی و ارزش‌های رفتاری هستیم، هر چه این جهان‌بینی (ایدئولوژی) بیشتر واقع‌گرایانه و جامع همه حقایق و دربرگیرنده همه مسائل باشد و از سوی منبع خردمند و دانا و مهربان مطلق، سرچشمه گرفته باشد نسبت به ارائه یک نظام ارزشی، تواناتر است و از آنجا می‌تواند رفتارهای انسانی را به عنوان یک مجموعه کامل و منسجم، شکل بخشد. ما برآنیم که جهان‌بینی (ایدئولوژی) اسلامی دارای همه این ویژگی‌هاست.

○ آیا اهداف عقیدتی می‌توانند در برخی موارد مغایر با استقرار نظم و قانون عمل کنند؟ لطفاً علل و زمینه‌های مربوط به مغایرت و عدم مغایرت را تشریح فرمایید؟

□ برعکس، نبود ایمان به حقایق و بی‌اطمینانی نسبت به

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مفاهیم واژه‌هایی چون نظم، قانون، رشد و توسعه و... با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه شدند. در این خصوص صاحب‌نظران با دیدگاه‌های مختلف به ارزیابی مفاهیم یادشده پرداختند و ادامه این روند موجب گردید که نظرات متعددی در مورد این مفاهیم مطرح شود. به طور کلی جمع کردن و نتیجه‌گیری در مورد معنی و مفهوم جامع از نظم، قانون، رشد و توسعه هر چند کاری دشوار اما امکان‌پذیر است.

در این شماره با در نظر گرفتن جنبه‌های نظری و کاربردی مفاهیم یاد شده تلاش کردیم از صاحب‌نظرانی استفاده کنیم که تنها به ابعاد نظری مفاهیم نپردازند بلکه جنبه‌های کاربردی را نیز همراه با ملاحظات سیاسی و اجتماعی و مقتضیات انقلاب اسلامی مورد توجه قرار دهند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی تسخیری از جمله صاحب‌نظرانی است که کاملاً با جنبه‌های مختلف نظم، قانون و رشد و توسعه آشنایی دارند. بخش تحریریه نامه فرهنگ در همین راستا پرسش‌هایی را برای ایشان ارسال نمود. آنچه در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد پاسخ‌هایی است که ایشان به سؤالات مربوط داده‌اند.

○ تعریف جناب عالی از نظم چیست؟

□ وضعیتی طبیعی است که فرد و جامعه برای نیل به هدف مورد نظر خود در آن حرکت می‌کند و بنابراین نظام‌ها، متناسب با این اهداف، متفاوتند.

○ تعریف جناب عالی از قانون چیست؟

قانون، نظام مقرراتی است که تداوم وضعیت طبیعی یاد شده و تحقق هدف مورد نظر را، تضمین می‌کند.

○ آیا جوامع در حال توسعه مواجه با بی‌نظمی هستند؟ اگر پاسخ جناب عالی مثبت است چگونه می‌توان این بی‌نظمی‌ها را تحت نظم و قانون درآورد؟ اگر پاسخ جناب عالی منفی است ارتباط نظم و توسعه را چگونه تعریف می‌کنید؟



تحقق هدف‌های آینده، به معنای عدم تحقق نظام ایده‌آل است. ایمان، فضای طبیعی نظام را تشکیل می‌دهد و اگر ایمان شامل حقایق و نه اوهام باشد به ویژه اگر ایمان به آن حقیقی باشد پای‌بندی و تعهد نسبت به قوانین مبتنی بر آن را در پی داشته باشد، چنین ایمانی، بهترین و مناسب‌ترین بستر برای ایجاد نظام ایده‌آل، به شمار می‌رود. ایمان پای‌بندی و تعهد در پی دارد و پای‌بندی و تعهد یعنی حمایت و مراقبت همیشگی.

○ اصل تعبد به خداوند چگونه در تحقق نظم ایفای نقش می‌کند؟

□ ایمان به خدای متعال نه ایمان صرفاً عقلی و نه ایمان به وجودی خرافاتی و نه ایمان به پروردگاری خیالی و نه تبدیل نسبیت‌ها به مطلق. هیچ‌کدام از اینها نیست؛ ایمان به خدای متعال، ایمان به بزرگ‌ترین و برترین حقیقت هستی و ایمان به چیزی است که فطرت و وجدان بدان آرام می‌گیرد و اطمینان می‌یابد و با آن می‌پیوندد و بدون آن، وجدان سرگردان و فطرت، تشنه می‌ماند.

اگر ایمان عقلی به خداوند متعال پدید آید و تمامی وجود انسان را فراگیرد و همه احساسات و حتی اعضا و جوارح آدمی را در نوردد، حرکت انسانی او، از چنین رهگذری حرکت می‌کند و رفتارش براساس آن، شکل می‌گیرد و در اینجاست که پای‌بندی و تعهد مورد نظر به نظام، از وی انتظار می‌رود.

○ نظم موجود در جوامع دینی با نظم موجود در جوامع غیردینی چه تفاوت‌هایی دارد؟

□ نظام موجود در جوامع مذهبی، دارای این ویژگی‌هاست:

۱. مبتنی بر ایدئولوژی واقع‌گرایانه‌ای است که جایگاه انسان در هستی، زندگی، تاریخ و بشریت حال و آینده را ترسیم می‌کند. نسبت به این نظام اطمینان و اعتماد وجود دارد و چشم‌اندازی از آینده در برابر بشریت قرار می‌دهد و علاوه بر همه اینها، نسبت به هر نکته ریز و درشتی در آن، تعهد وجود دارد.

۲. مسئولیت در این نظام قانونی (مادی) و در عین حال عقیدتی (آخرتی) است.

۳. فداکاری فردی در آن والاتر و ارزشمندتر از انحصارطلبی فردی است.

۴. اخلاقیات و همکاری و همیاری در آن، دارای ریشه‌های نیرومند و عمیقی است. در جوامع غیرمذهبی، چنین ویژگی‌هایی یافت نمی‌شود. مسئولیت‌ها، صرفاً قانونی یا قانونی و مصلحت‌گرایانه است. هیچ فداکاری فردی جز به قصد بهره‌برداری، وجود ندارد. اخلاق والای انسانی معنا و مفهومی ندارد زیرا نه ایدئولوژی جامع و کاملی وجود دارد و نه اطمینان نسبت به آینده.

○ فرهنگ کشورهای مسیحی و فرهنگ کشورهای مسلمان در تعریف جایگاه نظم در فرهنگ چه وجوه افتراق و وجوه اشتراکی را دارا هستند؟

□ معتقدم که این دو، در داشتن جهان‌بینی یعنی نگرشی به هستی، زندگی و انسان (به رغم تفاوت‌هایی که در گستره هر یک از این دو جهان‌بینی وجود دارد) و نیز در برخی آموزش‌های اخلاقی، وجه اشتراک دارند ولی جامعه اسلامی معتقد به پیوند تنگاتنگی میان دین و کل زندگی است و همه مسائل خود را در پرتو این اعتقاد، شکل می‌بخشد، حال آنکه جامعه مسیحی، فاقد چنین دیدگاه و نگرش همه‌جانبه و جامع است.

